

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

م.ن.
۱۱ فبروری ۲۰۱۶

به همه دانشمندان و روشنگران محترمی که درین پورتال می نویسند، همچنان به متصدیان محترم این پورتال، سلام و احترام عرض می کنم!

نخست، مبارزه روشنگرانه شما را در افشاءکردن جاسوسان و وطن فروشان داخلی، به خصوص علیه پرچمی- خلقی های وطن فروش، بخوانید(مادر فروش) و همچنان علیه کسانی که زیر نام دین و اسلام، بالاتر از یک هزار و سه صد سال دود از دماغ مردم ساده دل و خدا پرست ما کشیده اند، صد در صد تأیید می کنم. هر کدام شما محترمان وظیفه وجدانی تان را درین مبارزه به صورت احسن آن انجام می دهید و من از نوشته های آموزنده شما مستفید می شوم. دوم، خواهش می کنم، نوشته من را به حیث "چیلک انداختن" تلقی نکنید، بلکه به حیث یک نظر انتقادی از جانب یک خواننده.

دو موضوع درین مبارزه افشاءگرانه تان من را رنج می دهد، که با شما در میان می گذارم.

۱. افشاءگری علیه "هاشمیان"

گرچه خودم این شخص را قبل از افشاءگری های تان نمی شناختم، اما چون بالای هر یک شما اعتماد دارم، یقین می کنم، که چیز هائی که در رابطه به گذشته و حال این شخص می نویسید، همه راست و صادقانه ست و هرگز بهتان یا غلط نیست. با آن هم از نظر من، نیرو و وقت بیش از حد تان را درین راه به مصرف می رسانید. نیروئی که تا قبل از افشاءگری علیه این شخص، وقف نوشتن مقاله های علمی و با ارزش تان جهت روشنگری اذهان خوانندگان، می شد. خودم از مقاله های آقای "آزاد ل."، آقای "سدید"، آقای "پیغمانی"، آقای "سها" و دیگر دانشمندان محترم، خیلی می آموزم، و به معلوماتم در رابطه با دین اسلام افزوده می شود.

فلهذا، خواهم این است، که نیروی تانرا لطفاً در نوشتن مطالب علمی و روشن ساختن اذهان خوانندگان به مصرف برسانید، تا در افشاءگری این مردک "هاشمیان". ماهیت او به قدر کافی افشاء شده است.

به نظر من، دشمنان و جاسوسان، مبارزه شما را از یک سال به این طرف، از جهت عمده آن(مبارزه برای رهائی مادر وطن از چنگال خونین امپریالیزم جهانی و شرکای ناتوی آن)، در جهت فرعی آن(علیه خس و خاشاک امپریالیست ها) سوق داده است. این خواسته امپریالیست هاست، که مبارزان صادق را مصروف این خس و خاشاک سازند، تا وقت و نیروی شان بیهوده به مصرف برسد. به علاوه، توسط افشاءگری متداوم شما، در شهرت(ولو شهرت

منفی) اشخاصی مانند "هاشمیان" افزوده می شود. چیزی که این اشخاص آرزوی آن را دارند. یعنی نا خواسته، در این راستا به "هاشمیان" کمک کرده اید.

۲. سبک اعتراض و افشاءگری بعضی از دوستان در نوشته های شان علیه "هاشمیان" مرا خیلی رنج می دهد. اگر طرف مقابل از الفاظ رکیک و دشنام های زیر نافی علیه ما استفاده می کند، نباید از عین الفاظ، مقابل او استفاده کنیم. زیرا در این صورت، خود را به سطح طرف، پائین می آوریم. این "فورمول" را در همه مراحل زندگی از بزرگان آموختم. متأسفانه بعضی از شخصیت هائی که من به آنها احترام دارم، در نوشته های خود علیه "هاشمیان" این فورمول را زیر پا گذاشته اند.

همچنان می خواهم یاد آور شوم، که خوانندگان زن نیز مقاله های شما را می خوانند. یقین کنید، که با خواندن دشنام های رکیک که چند نمونه آن را در ذیل می نویسم (مرتبه اول چند سال قبل در نوشته هائی که علیه پرچمی های مقیم هالند "غفور سنا، ... فولاد، کریم زرغون" در این پورتال نشر شد)، نزد خود خجالت می کشم:

زیر پاره

خارشتی آتشی

نشیمنگاه او را می خرید

با استفاده از ... "نوشادر"

خارشت های قدیمی اش را تسکین دهد....

زنازاده

مرده گاو

ولد زنا

تعجب می کنم، که فرزندان که در یک خانواده انقلابی "محمودی فقید" بزرگ شده اند، از چه ذخیره بزرگ الفاظ رکیک برخوردار اند. آیا آن انقلابی بزرگ کشورم (محمودی فقید) که توصیف ایشان را از زبان پدرم در دوره ابتدائی مکتب، در سن نه یا ده سالگی، می شنیدم، و دو سال اخیر مکتبم را مدیون کمک های مادی و معنوی مرحوم "داکتر رحیم محمودی" می باشم، از خواندن این الفاظ از قلم فرزندان خود عرق سرد بر جبین نمی داشتند؟ شخص خودم، این سبک را افشاءگری نمی توانم بنامم. این زبان پسران بازاریست و شایسته یک انسان مبارز و انقلابی نیست.

مقایسه "هاشمیان" با خر وحشی و خرس قطبی، نیز قابل مکت است. تنفر از حیوانات وحشی و حتی از بعضی حیوانات اهلی یکی از داده های دینی ست، که انسان را برتر از همه مخلوقات روی زمین می داند. ادعائی که هیچ پایه علمی ندارد. به عکس، از نگاه علمی متأسفانه انسان یگانه مخلوقیست که به طبیعت و آنچه بر روی زمین وجود دارد، ضرر می رساند. یعنی انسان یگانه مخلوق مضریست، که محیط زیست، یا بهتر بگویم، زیر بنای هستی خود را نابود می سازد.

میرویس عزیز، از من آزرده مباش، این یک گله از قلم یک زن هفاد ساله ست، که حیثیت مادر را می تواند داشته باشد. هیچ غرض و مرض سیاسی یا شخصی عقب آن نهفته نیست. نه تنها خودت، بلکه دانشمندان دیگر این پورتال نیز از بعضی این دشنام ها در مقاله های خود علیه "هاشمیان" استفاده کرده اند. سخن طرف آن محترمان نیز است. و چند نکته دیگر:

در نوشته های بعضی دانشمندان محترم این پورتال، تضاد بین تفکر انقلابی چپی و استفاده از کلمات مانند (زنا، ولد زنا، زنازاده، حرامی) می بینم. در دین اسلام، کسی که با هم نکاح اسلامی نکرده باشد، باهم زنا می کنند و یا اطفال شان که بدون نکاح به دنیا می آیند، زنا زاده یا حرامی اند. روشنگران چپی ما در حالی که دین را به صورت عموم نفی می کنند، اما در عین زمان از معیار های اخلاقی و شرعی اسلام علیه مخاطب خود استفاده می کنند. این خود یک تضاد فکری و درونیست، که هنوز مبارز چپی ما از قید آن بیرون نشده است.

همچنان استفاده از کلمه "شهید". کسی که در راه خدا کشته شده باشد، از نگاه دین اسلام "شهید" نامیده می شود. من یقین دارم، که اکثریت فرزندان مبارز چپی کشورم در راه آزادی وطن، جان های باارزش خود را از دست داده اند، نه در راه خدا. زیرا قشون سرخ بالای خدای اسلام هجوم نیاورده بود، بلکه بالای مردم افغانستان و بالای کشوری به نام افغانستان حمله نموده بود.

از نگاه روانشناسی این نکته اخیر نیز قابل تأمل است، که چرا در جامعه مردسالار، اکثریت توهین ها و دشنام های مردانه به نَور مقعد طرف مقابل می چرخد؟ و به اطراف زنان طرف مقابل....

آزرده نباشید

م.ن.